

تحلیل حقوقی پرداخت مهریه به نرخ روز در رویه قضایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۶)

مونا کاظمی زاده

چکیده

پرداخت مهریه به نرخ روز یکی از چالشبرانگیزترین موضوعات حقوق خانواده در ایران است که تحت تأثیر نوسانات اقتصادی و تفسیرهای متفاوت قضایی قرار دارد. این مقاله با روش تحلیلی-تطبیقی، به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مهریه به نرخ روز در نظام حقوقی ایران و رویه های قضایی پرداخته است. یافته ها نشان میدهند که علیرغم تصریح ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به امکان مطالبه مهریه به نقد رایج، اختلاف نظرهای قضایی در تعیین نرخ روز و نحوه محاسبه آن، به ویژه در شرایط تورم شدید، موجب ناعدالتی در اجرای حکم شده است. همچنین، بررسی تطبیقی با نظامهای حقوقی کشورهای اسلامی مانند مصر و لبنان، ضرورت اصلاح قوانین برای شفاف سازی فرایند تعدیل مهریه را آشکار میسازد.

واژگان کلیدی: مهریه، نرخ روز، رویه قضایی، نوسانات اقتصادی، تورم

مقدمه

مهریه به عنوان یکی از ارکان مهم حقوق خانواده در اسلام، همواره جایگاه ویژه ای در نظام حقوقی ایران داشته است. با این حال، نوسانات شدید اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی، اجرای عینی مهریه های سنگین را با مشکل مواجه کرده و اختلافات گسترده ای میان زوجین ایجاد نموده است. بر اساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران، مهریه به «نقد رایج» پرداخت میشود، اما تفسیر این ماده در رویه قضایی به دو شکل «نقد رایج زمان عقد» یا «نقد رایج زمان مطالبه» صورت میگیرد. این ابهام حقوقی، به ویژه پس از افزایش بیرویه قیمت سکه و طلا، منجر به صدور آرای متعارض در دادگاهها شده است. این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی مبانی فقهی و حقوقی مهریه به نرخ روز، بررسی رویه های قضایی ایران و ارائه راهکارهای تقنینی و قضایی برای کاهش اختلافات و تحقق عدالت در اجرای مهریه تدوین شده است. مهریه به عنوان یکی از نهادهای مهم حقوق خانواده در ایران، همواره با چالشهای اجرایی به ویژه در شرایط تورمی مواجه بوده است. این مقاله به بررسی مبانی فقهی و حقوقی پرداخت مهریه به نرخ روز در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با رویه های قضایی میپردازد. هدف این پژوهش، تحلیل اختلاف نظرهای قضایی در تفسیر ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و ارائه راهکارهایی برای کاهش ناعدالتی های ناشی از نوسانات اقتصادی است. یافته ها نشان میدهند که فقدان شفافیت قانونی و نبود سازوکار تعدیل مهریه بر اساس شاخص های اقتصادی، موجب صدور آرای متعارض شده است.

۱- مبانی نظری مهریه به نرخ روز

مهریه به عنوان یک حق مالی الزامی برای زن در عقد نکاح، ریشه در آموزه های اسلامی و قواعد فقهی دارد. با این حال، مسئله تعدیل مهریه بر اساس نرخ روز (ارزش فعلی پول) در مواجهه با تورم و کاهش ارزش پول، به یکی از چالشهای مهم حقوقی و فقهی تبدیل شده است.^۱ این مفهوم بر پایه مبانی نظری چون عدالت قراردادی، عُرف، قصد متعاقدين و قاعده

^۱ - مطهری، مرتضی (۱۴۰۹) مبانی حقوق زن در اسلام، تهران، نشر فرهنگ، ص ۱۴۵

لاضرر استوار است و در نظامهای حقوقی کشورهایی مانند ایران، با استناد به قوانین مدنی و رویه های قضایی، به رسمیت شناخته میشود.

۱-۱-۱- مبانی نظری در فقه امامیه

مهریه به عنوان حق مالی زن در اسلام، یکی از ارکان اساسی عقد نکاح محسوب میشود که مرد موظف به پرداخت آن به همسر خود است. با این حال، چالش اصلی زمانی پدید میآید که ارزش پول در طول زمان به دلیل تورم یا تغییرات اقتصادی دچار نوسان میشود. این مسئله، پرسشهای فقهی مهمی را درباره امکان تعدیل مهریه بر اساس تغییر ارزش پول مطرح میکند. دیدگاه های فقهای امامیه و اهل سنت در این زمینه، با توجه به مبانی اجتهادی و اصول حقوقی هر مذهب، تفاوتهایی دارد که نیازمند بررسی دقیق است.^۱ در فقه امامیه، تعدیل مهریه به نرخ روز با تکیه بر چند اصل کلیدی توجیه میشود:

۱-۱-۱-۱- عدالت مالی

شریعت اسلام بر رعایت عدالت در تمام تعهدات مالی تأکید دارد. اگر کاهش ارزش پول باعث شود مهریه از نظر واقعی ناعادلانه شود، پرداخت همان مبلغ اسمی اولیه، نقض غرض از تعیین مهریه (تأمین حقوق مالی زن) محسوب میشود. فقها با استناد به آیاتی مانند «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴)، بر لزوم پرداخت مهریه به صورت منصفانه تأکید میکنند. در میان مذاهب چهارگانه اهل سنت، اختلاف نظرهای قابل توجهی وجود دارد: حنفیها به اصل لزوم قراردادهای پایبندند و معتقدند مهریه تعیین شود، نمیتوان آن را تغییر داد، مگر با توافق طرفین. با این حال، برخی فقهای حنفی در مواردی که کاهش ارزش پول به حدی باشد که مهریه را کاملاً بیارزش کند، با استناد به استحسان (عدالت گرایی) یا عرف، تعدیل آن را مجاز میشمارند.^۲

^۱ - جعفری فشارکی، زینب (۱۳۸۸) بررسی ارای فقها درباره تبدیل مهریه به نرخ روز، نشریه آموزه های قرانی

بهار و تابستان، شماره ۳۱، ص ۱۷۷

^۲ صادقی، محمد (۱۳۹۱) احکام مهر در مذهب حنفی، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۹۱، سال چهارم، ص ۱۱۲

مالکیها با تکیه بر مفهوم عدالت اجتماعی و جلوگیری از ظلم، بیشتر به تعدیل مهریه تمایل دارند. آنان معتقدند اگر کاهش ارزش پول باعث شود مهریه از نظر مالی ناچیز شود، قاضی میتواند با در نظر گرفتن ارزش زمان پرداخت، آن را تعدیل کند.^۱

شافعیها و حنبلیها عموماً بر نص قرارداد تأکید دارند، اما در موارد استثنایی مانند فسخ نکاح یا وجود شرایط اضطراری، ممکن است به تعدیل مهریه رأی دهند. برخی فقهای معاصر شافعی نیز با الهام از مصلحت عمومی، تعدیل مهریه را در صورت تغییرات شدید اقتصادی جایز میدانند.^۲

۱-۱-۲- قاعده لاضرر

این قاعده که از احادیثی چون «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» استخراج شده، هرگونه ضرر غیرمستعارف را نفی میکند. کاهش شدید ارزش پول، پرداخت مهریه را به یک اقدام سمبلیک و بی ارزش تبدیل میکند که ضرری آشکار به زن وارد میسازد. بنابراین، تعدیل مهریه برای جلوگیری از این ضرر، ضروری است. فقهای امامیه با استناد به اصولی مانند عرف، قصد متعاقدين، و قاعده لاضرر، رویکردی انعطاف پذیرتر نسبت به تعدیل مهریه دارند. از نگاه ایشان، اگر مهریه به پول رایج تعیین شده و ارزش آن به مرور زمان کاهش یابد، میتوان با توجه به عرف جامعه و قصد واقعی طرفین در زمان عقد، مهریه را تعدیل کرد.^۳ به عنوان مثال، اگر مهریه به صورت «مبلغ معینی پول» تعیین شده باشد، اما کاهش ارزش پول باعث شود که این مبلغ از نظر واقعی ناعادلانه باشد، فقها با استناد به قاعده لاضرر (که بر پایه حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» استوار است)، امکان بازنگری در میزان مهریه را برای جلوگیری از ضرر به زن

^۱ - نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵) عوائد الایام، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ص ۲۴۶

^۲ - مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۹) جز دوم الفقه علی مذاهب الخمسه، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد

سرای، تهران، ققنوس، ص ۷۸

^۳ - ناصری، سید احسان و دیگران (۱۴۰۱) تحلیل اقتصادی تعدیل و به روز رسانی مهریه با رویکرد فقهی،

نشریه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، ص ۶۵

جایز میدانند. برخی فقهای معاصر امامیه نیز با تأکید بر ارزش واقعی مهریه، پیشنهاد میکنند که مهریه باید بر اساس معیارهای ثابتی مانند طلا محاسبه شود تا از تأثیرات تورم مصون بماند.^۱

۱-۱-۳- عُرف و قصد متعاقدين

فقها معتقدند طرفین در هنگام عقد، قصد دارند مهریه را بر اساس ارزش واقعی و متعارف زمان عقد تعیین کنند، نه یک عدد ثابت بدون توجه به تحولات اقتصادی. عُرف جامعه نیز که همواره ارزش مالی را بر اساس قدرت خرید میسنجد، به عنوان مفسر قصد طرفین عمل میکند. در دوران معاصر، بسیاری از حقوقدانان و فقهای مسلمان، برای جلوگیری از چالشهای ناشی از تورم، پیشنهاد میکنند که مهریه بر اساس معیارهای ثابت مانند مقدار طلا یا واحدهای بین المللی تعیین شود. این رویکرد در کشورهایی مانند ایران و برخی کشورهای عربی در قوانین خانواده گنجانده شده است. علاوه بر این، برخی دادگاهها در کشورهای اسلامی با استفاده از اختیارات قضایی خود، مهریه را بر اساس شاخصهای تورم تعدیل میکنند تا از حقوق مالی زنان حمایت شود.^۲

در مجموع، اگرچه فقه سنتی امامیه و اهل سنت بر پابندی به نص قرارداد در مهریه تأکید دارد، اما تحولات اقتصادی و ضرورت رعایت عدالت، فقها را به سمت پذیرش مکانیسمهای تعدیل مهریه سوق داده است. تفاوت اصلی بین مذاهب، در میزان اتکا به عرف، قصد طرفین، و مصالح عمومی است. در این زمینه، فقه امامیه با بهره گیری از قاعده لاضرر و انعطاف پذیری بیشتر، و برخی مذاهب اهل سنت مانند مالکیها با تکیه بر عدالت، راه را برای تعدیل مهریه در شرایط خاص هموار کرده اند. این رویکردها نشاندهنده پویایی فقه اسلامی

^۱ - نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲) جواهر الکلام، تصحیح شیخ محمود اخوندی، تهران، در الکتب

الاسلامیه، ص ۳۰۲

^۲ - همان

در پاسخگویی به مسائل نوین اقتصادی است.^۱

۱-۲- مبانی حقوقی در نظامهای قانونی

در حقوق موضوعه کشورهایی مانند ایران، تعدیل مهریه به نرخ روز با سازوکارهای مشخصی پیگیری میشود:

۱-۲-۱- قانون مدنی ایران

ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه را «به تراضی طرفین» تعیین میکند، اما رویه قضایی با تفسیری پویا، امکان تعدیل آن را فراهم ساخته است. برای مثال، اگر مهریه به صورت «مبلغ معین ریالی» یا «سکه بهار آزادی» تعیین شده باشد، دادگاه ها بر اساس قیمت روز سکه یا نرخ تورم، محاسبه مجدد انجام میدهند.^۲

۱-۲-۲- تفسیر عرفی از قرارداد

دادگاهها با استناد به ماده ۲۲۴ قانون مدنی («الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه»)، مهریه را بر اساس عرف زمان اجرای تعهد تفسیر میکنند. اگر عرف، پرداخت ارزش واقعی را منصفانه بداند، دادگاه حتی بدون تصریح در عقدنامه، مهریه را تعدیل میکند.

۱-۲-۳- مصالحه و توافق قضایی

در مواردی که مهریه به صورت «مهرالمثل» (مهریه متناسب با جایگاه اجتماعی زن) تعیین شود، قضاات با در نظر گرفتن شاخصهای اقتصادی مانند نرخ تورم، مهریه را به نرخ روز محاسبه میکنند تا از حقوق زن حمایت شود.

۳- رویکردهای معاصر و راه حل‌های عملی

نظریه تغییر قیمت عرفی در فقه امامیه، نشاندهدی توانمندی فقه شیعه در پاسخگویی به مسائل نوین اقتصادی است. این نظریه با تکیه بر اصولی مانند عدالت، عرف و نفی ضرر،

^۱ - رسام، نگار، ۱۴۰۱، بررسی حقوقی مهریه و نقش بیمه مهریه در نظام قانونگذاری ایران، چهارمین کنفرانس

بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۴۷۰۵۴۰، <https://civilica.com/doc/۱۴۷۰۵۴۰>

^۲ - عبدالوند، شراره (۱۴۰۳) بررسی محاسبه مهریه به نرخ روز، انتشارات درخشش اندیشه، تهران، ص ۴۵

تلاش میکند توازن بین ثبات قراردادهای و انصاف مالی را در شرایط تورمی حفظ کند. هرچند چالشهای اجرایی و اختلافات فقهی پیرامون آن باقی است، اما رویکرد غالب در فقه معاصر امامیه، به ویژه با توجه به تحولات اقتصاد کلان، حمایت از تعدیل مهریه و دیون مالی بر اساس ارزش عرفی روز است. این امر نه تنها از حقوق زنان در برابر تأثیرات تورم محافظت میکند، بلکه همسو با روح کلی شریعت در تحقق عدالت اجتماعی است.^۱

۳-۱- نظریه «تغییر قیمت عرفی» در فقه امامیه و تطبیق آن با شرایط تورمی

نظریه «تغییر قیمت عرفی» در فقه امامیه، به عنوان یک مکانیسم حقوقی-فقهی برای تعدیل تعهدات مالی در مواجهه با نوسانات ارزش پول و تورم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نظریه بر پایه مفهوم عرف (رسوم و عادات جامعه) و اصولی چون قصد متعاقدين، عدالت قراردادی و قاعده لاضرر استوار است. در فقه امامیه، عرف به عنوان یکی از منابع استنباط احکام، نقش کلیدی در تفسیر قراردادهای و تعیین حدود تعهدات مالی ایفا میکند. تغییر قیمت عرفی به معنای تعدیل ارزش مالی تعهدات بر اساس تحولات اقتصادی و کاهش قدرت خرید پول است که در شرایط تورمی، ضرورت اجرای آن آشکارتر میشود.^۲

۳-۱-۱- مبانی فقهی نظریه تغییر قیمت عرفی

فقه‌های امامیه با استناد به ادله قرآنی، روایی و اصول عملیه، نظریه تغییر قیمت عرفی را توجیه میکنند. قاعده لاضرر (نفی هرگونه ضرر نامتعارف در شریعت) به عنوان پایه اصلی این نظریه، تعدیل مهریه یا دیون مالی را در صورت کاهش شدید ارزش پول ضروری میداند. برای مثال، اگر مهریه به صورت مبلغی پول مشخص شود و تورم باعث کاهش چشمگیر ارزش واقعی آن گردد، پرداخت همان مبلغ اسمی بدون تعدیل، موجب ضرر غیرقابل تحمل بر زن میشود که با قاعده لاضرر در تعارض است. از سوی دیگر، قصد متعاقدين در

^۱ - عباسی، شاهرخ و دیگران (۱۳۹۶) تقویم مهریه و تعهد شوهر به پرداخت مهر به نرخ روز، اولین کنفرانس

ملی حقوق و علوم سیاسی، ص ۳۴۱

^۲ - مراغه‌ای، میرعبدالفتاح (۱۴۲۹) العناوین الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۵۶۷

زمان عقد نیز مورد توجه است؛ فقها معتقدند طرفین در هنگام تعیین مهریه، قصد دارند ارزش واقعی و متعارف آن را تضمین کنند، نه صرفاً یک عدد ثابت. بنابراین، اگر عُرف جامعه تغییر قیمت‌ها را به عنوان یک واقعیت اقتصادی بپذیرد، تعدیل مهریه بر اساس ارزش عُرفی زمان پرداخت، منطبق با قصد اولیه ی طرفین است.^۱

۳-۱-۲- تطبیق نظریه با شرایط توری

در شرایط توری، کاهش قدرت خرید پول ملی، ارزش اسمی مهریه یا سایر دیون مالی را به شدت تحت تأثیر قرار میدهد. فقه امامیه با تکیه بر نظریه تغییر قیمت عُرفی، راهکارهای متعددی را برای حل این چالش ارائه میدهد:

۳-۱-۲-۱- ارجاع به معیارهای ثابت

برخی فقها مانند آیت الله خامنه ای و آیت الله سیستانی پیشنهاد میکنند که مهریه بر اساس معیارهای ثابتی مانند مقدار طلا یا ارزهای بین المللی تعیین شود تا از نوسانات پولی مصون بماند. آیین روش در قانون مدنی ایران (ماده ۱۰۸۲) نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران مقرر میدارد: «مهر عبارت است از مالی که به موجب عقد از طرف مرد به زن تملیک میشود.» این ماده بهصراحت ماهیت مالی مهریه را تأیید کرده و آن را به عنوان یک حق قانونی و شرعی برای زن تعریف میکند. با این حال، این ماده در تعیین میزان ارزش واقعی مهریه سکوت کرده و تنها به تراضی طرفین در تعیین مهر استناد میکند. این سکوت قانونی، به ویژه در شرایط توری، به چالشی حقوقی تبدیل شده است، زیرا مشخص نیست آیا مهریه باید بر اساس ارزش اسمی (مبلغ ثبت شده در زمان عقد) یا ارزش واقعی (با توجه به نوسانات پولی) پرداخت شود. از این رو، تفسیر قضایی و فقهی این

^۱ - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۸۹

^۲ - موسوی، سید اسماعیل (۱۳۹۳) مهریه و نحوه محاسبه آن به نرخ روز به انضمام قانون حمایت خانواده و

این نامه اجرایی، انتشارات خط سوم، تهران، ص ۸۷

ماده نقش کلیدی در تعیین رویکرد عملی به مسئله تعدیل مهریه دارد.^۱

مبانی حقوقی ماده ۱۰۸۲ بر اصل آزادی اراده طرفین در تعیین مهریه استوار است، اما این آزادی در عمل با مفاهیمی مانند عدالت قراردادی و قاعده لاضرر محدود میشود. از منظر فقهی، مهریه نه تنها یک تعهد مالی، بلکه تضمینی برای استحکام نهاد خانواده و حمایت از حقوق زن محسوب میشود. بنابراین، رویکردی که صرفاً به نص ماده ۱۰۸۲ اکتفا کند و تغییرات اقتصادی را نادیده بگیرد، ممکن است با روح حاکم بر قانون مدنی و اهداف شرعی مهریه در تعارض باشد.^۲

۳-۱-۲-۲- تعدیل بر اساس شاخص تورم

در رویه قضایی برخی کشورها مانند ایران، دادگاهها با استناد به عُرف و مصلحت اجتماعی، مهریه را بر اساس نرخ تورم تعدیل میکنند. برای مثال، اگر مهریه در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۰۰ سکه بهار آزادی تعیین شده باشد، دادگاهها ارزش کنونی آن را بر اساس قیمت روز سکه محاسبه میکنند.^۳

۳-۱-۲-۳- تفسیر عُرفی از قرارداد

فقه‌ها استدلال میکنند که عُرف جامعه در زمان اجرای قرارداد، ملاک تفسیر مفاد آن است. بنابراین، اگر عُرف، پرداخت ارزش واقعی مهریه را منطبق با عدالت بداند، تعدیل آن حتی بدون تصریح در قرارداد نیز جایز است.

۴- نقد رایج

عبارت «نقد رایج» در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به پولی اشاره دارد که در زمان اجرای تعهد،

^۱ - انصاری، حمید و دیگران (۱۳۹۳) مبانی فقهی تقویم مهریه به نرخ روز، نشریه پژوهش های فقهی، تابستان،

شماره ۲، ص ۱۹۹

^۲ - ناصری، سید احسان و دیگران (۱۴۰۱) تحلیل اقتصادی تعدیل و به روز رسانی مهریه با رویکرد فقهی،

نشریه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، ص ۳۴۱

^۳ - پولادی، ابراهیم (۱۳۸۸) مهریه و تبدیل آن (محاسبه مهریه به نرخ روز) انتشارات نشر دادگستر، تهران، ص ۸۸

رواج قانونی و عرفی دارد. با این حال، تفسیر این عبارت در رویه قضایی ایران به دو شکل متفاوت صورت میگیرد:

- تفسیر مضیق: برخی دادگاهها با استناد به اصل لزوم قراردادها (ماده ۲۱۹ قانون مدنی)، «نقد رایج» را به پول رایج در زمان عقد نکاح تفسیر میکنند. این گروه معتقدند ارزش اسمی مهریه در زمان انعقاد عقد، ملاک اصلی است و تغییرات بعدی نباید بر آن تأثیر بگذارد.^۱

- تفسیر موسع: در مقابل، برخی محاکم با تکیه بر عرف و قصد متعاقدين، "نقد رایج" را به پول رایج در زمان اجرای تعهد (پرداخت مهریه) تعبیر میکنند. این تفسیر با استناد به ماده ۲۲۴ قانون مدنی («الفاظ عقود محمول بر معانی عرفیه است») و ضرورت جلوگیری از بی عدالتی مالی توجیه میشود.^۲

این اختلاف تفسیری باعث شده است رویه قضایی در مورد تعدیل مهریه یکپارچه نباشد. برای مثال، اگر مهریه در سال ۱۳۷۰ معادل ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده باشد، برخی دادگاه ها همان مبلغ را بدون تعدیل محاسبه میکنند، در حالی که برخی دیگر با توجه به نرخ تورم، آن را به ارزش روز تبدیل مینمایند.^۳

^۱ - محمدی، محسن (۱۴۰۳) بررسی شرایط مهر و پرداخت آن به نرخ روز در حقوق ایران، اولین کنفرانس بین

المللی حقوق، علوم سیاسی و سیاست اسلامی و فقه اسلامی، ص ۲۱۳

^۲ - یوسفی، روح اله و حسینی مقدم، سیدعسکری، ۱۴۰۳، بررسی انواع مهریه و نحوه مطالبه مهریه توسط زوجه، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه

اسلامی، ساری، <https://civilica.com/doc/۲۰۶۷۷۹۰>

^۳ - انصاری، حمید و صحرارگد دهکردی، مجتبی (۱۳۹۳) مبانی فقهی تقویم مهریه به نرخ روز، پژوهش های

فقهی، تابستان، شماره ۲، ص ۱۴۴

۴-۱- رویکرد برخی دادگاهها به "نقد رایج زمان عقد"

دادگاههایی که از تفسیر «نقد رایج زمان عقد» حمایت میکنند، عموماً بر ثبات قراردادهای و احترام به اصل وفای به عهد تأکید دارند. این گروه استدلال میکنند که طرفین در زمان انعقاد عقد، با آگاهی از شرایط اقتصادی، مبلغ مشخصی را به عنوان مهریه تعیین کرده اند و تغییر آن بر خلاف توافق اولیه است. برای مثال، در رأی شماره ۹۱۴۰۲۱۷۲۰۰۹۹۷۰۹۲۰ دیوان عالی کشور، تصریح شده است: "مهریه به عنوان یک دین ثابت، تابع نوسانات قیمتی نیست و باید بر اساس ارزش اسمی زمان عقد پرداخت شود."^۱ این رویکرد با چالشهای عملی جدی روبهروست، زیرا در شرایط تورمی، پرداخت مهریه به ارزش اسمی اولیه، آن را به یک مبلغ ناچیز تبدیل میکند و حقوق مالی زن را نقض مینماید. منتقدان این رویکرد معتقدند این تفسیر، روح ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و اهداف شرعی مهریه را نادیده میگیرد و به جای حمایت از زن، به تضییع حقوق او میانجامد.

۴-۲- رویکرد برخی دیگر به "نقد رایج زمان اجرا"

در مقابل، دادگاههایی که از تفسیر «نقد رایج زمان اجرا» پیروی میکنند، بر عدالت مالی و جلوگیری از ضرر غیرمعتارف تکیه دارند. این گروه با استناد به قاعده فقهی لاضرر و ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی (مبنی بر جلوگیری از اضرار به غیر)، معتقدند مهریه باید بر اساس ارزش واقعی و قدرت خرید پول در زمان پرداخت محاسبه شود. برای مثال، در رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۳۷۴۰۰۱۲ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور، آمده است: "در شرایط تورمی، پرداخت مهریه به مبلغ اسمی اولیه، موجب تضییع حقوق زن میشود؛ بنابراین، تعدیل آن بر اساس نرخ تورم ضروری است."^۲

این رویکرد از پشتوانه عرفی نیز برخوردار است، زیرا در جامعه امروزی، عرف پرداخت مهریه

^۱ - همان

^۲ - جملالان، حسین و دیگران (۱۴۰۰) واکاوی شرایط مهر و پرداخت آن به نرخ روز در حقوق ایران و مصر،

را بر اساس ارزش روز آن منصفانه میدانند. با این حال، مخالفان این تفسیر ادعا میکنند که این رویکرد به بیثباتی قراردادهای افزایش اختلافات خانوادگی دامن میزند.

۴-۳- بررسی آرای متعارض دیوان عالی کشور و دادگاه های تجدیدنظر

در رویه قضایی ایران، آرای متعارضی از دیوان عالی کشور و دادگاههای تجدیدنظر درباره تفسیر «نقد رایج» مشاهده میشود. برای مثال، در حالی که برخی آرای دیوان عالی (مانند رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۵۶۲۰۰۸۹۳) بر لزوم پرداخت مهریه به ارزش اسمی زمان عقد تأکید دارند، برخی شعب دیوان (مانند شعبه ۱۰) در رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۳۱۷۴۰۰۵۶، تعدیل مهریه بر اساس شاخص تورم را مجاز دانسته اند. این تعارضات نشان دهنده نبود یک رویکرد واحد در نظام قضایی است.

دادگاههای تجدیدنظر نیز گاه بر اساس برداشتهای شخصی قضات یا شرایط خاص پرونده ها، آرای متفاوتی صادر میکنند. برای نمونه، در یک مورد، دادگاه تجدیدنظر استان تهران مهریه را بر اساس قیمت روز طلا تعدیل کرد، در حالی که دادگاه دیگری در همان استان، با استناد به اصل لزوم قراردادهای، از تعدیل مهریه خودداری نمود. این ناهماهنگیها نه تنها اطمینان حقوقی را کاهش میدهد، بلکه اجرای عدالت را با چالش مواجه میسازد.^۱

۵- تجربه کشورهای اسلامی

۵-۱- مصر (تعدیل مهریه بر اساس شاخص تورم با استناد به نظریه "اضرر")

در مصر، تعدیل مهریه بر اساس شاخص تورم با استناد به نظریه فقهی "اضرر" (جلوگیری از ضرر غیرمتعارف) صورت میگیرد. دادگاه های خانواده مصر با الهام از اصول فقه مالکی و ماده ۱ قانون مدنی مصر که بر عدالت در تعهدات تأکید دارد، در مواردی که کاهش ارزش پول ملی باعث بیارزش شدن مهریه شود، حق تعدیل آن را برای زن قائل میشوند. برای

^۱ - ابازری فومشی، منصور و همکار (۱۴۰۲) مهریه، همراه با نحوه محاسبات مهریه به نرخ روز، نظرات مشورتی

مثال، اگر مهریه در سال ۱۹۹۰ معادل ۱۰۰۰ پوند مصری تعیین شده باشد، اما تورم طی دههها ارزش واقعی این مبلغ را به شدت کاهش داده باشد، دادگاهها با استناد به قاعده "لاضرر و لا ضرر"، مهریه را بر اساس نرخ تورم تعدیل میکنند. این رویکرد در رأی شماره ۳۷۲ سال ۲۰۰۳ دیوان عالی مصر نیز تأیید شده است که در آن بر لزوم حفظ «توازن مالی» بین طرفین عقد نکاح تأکید گردید.^۱

با این حال، اجرای این نظریه با چالشهایی همراه است. نخست، نبود شاخص تورم دقیق و یکپارچه در مصر باعث میشود محاسبات قضایی گاه سلیقه‌ای و غیرشفاف باشد. دوم، برخی فقهای سنتی مخالفند و معتقدند مهریه یک «دین ثابت» است و نباید تحت تأثیر نوسانات اقتصادی قرار گیرد. رویکرد غالب در دادگاههای مصر، به ویژه پس از بحرانهای اقتصادی اخیر، حمایت از تعدیل مهریه برای جلوگیری از تضییع حقوق زنان است.

۵-۲- لبنان (استفاده از «واحد حساب مصوب دولتی» برای محاسبه مهریه)

در لبنان، با توجه به بحرانهای شدید مالی و کاهش بی سابقه ارزش لیره لبنان، سازوکار "واحد حساب مصوب دولتی" برای محاسبه مهریه به کار گرفته میشود. بر اساس قانون خانواده لبنان (مصوب ۱۹۶۲) و رویه قضایی، مهریه میتواند بر اساس واحدهای ثابتی مانند دلار آمریکا یا گرم طلا تعیین شود که نسبت به نوسانات پولی مقاومترند. برای مثال، اگر مهریه معادل ۱۰۰ گرم طلا تعیین شود، ارزش آن بر اساس قیمت روز طلا در زمان پرداخت محاسبه میگردد. این روش در ماده ۲۵ قانون تعهدات لبنان نیز مورد اشاره قرار گرفته و از طریق «عقد ذمه به ذمه» (تعهد بر پایه یک واحد ثابت) توجیه حقوقی میشود.^۲

این سیستم هرچند در تئوری کارآمد به نظر میرسد، در عمل با موانعی روبه روست. نخست، بسیاری از خانواده ها به دلیل عدم آگاهی از پیچیدگیهای محاسباتی، ترجیح میدهند مهریه

^۱ - بدران، ابوالعینی (بی تا) الفقه المقارن للاحوال الشخصیه، بیروت، دار النهضة العربیه، ص ۲۲۷

^۲ - فاضل تونی، عبدالله (۱۴۱۲) الوافیه فی اصول الفقه، جلد ۴، تحقیق حسین رضوی، قم، مجمع الفکر

را به صورت مبالغ ثابت لیرهای تعیین کنند که در شرایط تورمی بیارزش میشود. دوم، اختلافات فرقه ای در لبنان (مانند تفاوت قوانین بین مذاهب سنی، شیعه و مسیحی) باعث ناهماهنگی در اجرای این قانون شده است. با این حال، تجربه لبنان نشان میدهد که استفاده از واحدهای حساب پایدار میتواند الگویی برای سایر کشورهای با اقتصاد بی ثبات باشد تا از حقوق مالی زنان در برابر فروپاشی پولی محافظت کنند.

۶- چالشهای حقوقی و اجرایی

۶-۱- چالشهای اقتصادی

تورم افسارگریخته در بسیاری از کشورهای اسلامی، به ویژه ایران، ارزش واقعی مهریه های ثابت را به شدت کاهش داده است. مهریه هایی که پیشتر با مبالغی مانند «۱۰۰ سکه» یا «۱۰ میلیون تومان» تعیین میشدند، امروزه به دلیل کاهش قدرت خرید پول، عملاً بخش کوچکی از ارزش اولیه خود را حفظ کردهاند. این مسئله نه تنها حقوق مالی زنان را تحت الشعاع قرار میدهد، بلکه با فلسفه شرعی مهریه که تضمینی برای استقلال اقتصادی زن است، در تعارض است. برای مثال، مهریه ای که در دهه ۷۰ معادل خرید یک خانه بود، امروزه حتی هزینه اجاره یک ماه یک آپارتمان را نیز پوشش نمیدهد. این کاهش ارزش، مهریه را از یک ابزار حمایتی به یک تعهد سمبلیک تبدیل کرده و زنان را در مواجهه با مشکلات مالی پس از طلاق یا فوت همسر، بی پناه میگذارد.

از سوی دیگر، تعدیل مهریه بر اساس نرخ تورم، فشار مالی سنگینی بر مردان وارد میکند. در شرایطی که درآمدها ثابت مانده یا رشد کندی داشته است، الزام مردان به پرداخت مهریه های تعدیل شده (گاهی تا هزاران برابر مبلغ اولیه)، بسیاری را به ورطه ورشکستگی یا فرار از مسئولیت سوق میدهد. این ناتوانی مالی نه تنها به افزایش پرونده های طلاق به دلیل عدم توانایی پرداخت مهریه منجر شده، بلکه زمینه ساز اختلافات خانوادگی طولانی و کاهش تمایل به ازدواج در نسل جوان نیز شده است.^۱ در واقع، نظام حقوقی در تلاش برای

^۱ باختر، احمد. (۱۳۹۲). مطالبه مهریه از طریق اجرای ثبت (کاربردی). تهران: جنگل جاودانه. ص ۱۱۷

حفظ حقوق زنان، ناخواسته به عاملی برای بی ثباتی خانواده ها تبدیل میشود.

۶-۲- چالش های قضایی

نبود دستورالعمل واحد برای محاسبه نرخ روز مهریه، یکی از موانع اصلی در اجرای عدالت است. در حالی که برخی دادگاهها از شاخص قیمت طلا استفاده میکنند، برخی دیگر نرخ تورم اعلامشده توسط بانک مرکزی یا حتی نرخ دلار غیررسمی را مبنای محاسبه قرار میدهند. این پراکندگی معیارها نه تنها تفسیر قضایی را دشوار میکند، بلکه امکان تقلب یا دستکاری در محاسبات را نیز افزایش میدهد. برای مثال، در یک مورد، مهریه بر اساس قیمت رسمی سکه محاسبه میشود، اما در مورد دیگر، قیمت بازار آزاد ملاک قرار میگیرد که تفاوت فاحشی در نتایج ایجاد میکند^۱.

اختلاف در رویه های دادگاه های خانواده در شهرهای مختلف نیز اطمینان به نظام حقوقی را خدشه دار ساخته است. در تهران، ممکن است دادگاهی مهریه را بر اساس آخرین نرخ تورم تعدیل کند، در حالی که همان پرونده در مشهد با استناد به اصل لزوم قراردادهای، بدون تعدیل حکم داده شود. این ناهماهنگی، علاوه بر سردرگمی شهروندان، به «فروشگاه قضایی» (انتخاب دادگاه های دارای رویه مطلوب) دامن میزند و اعتبار دستگاه قضایی را زیر سوال میبرد.

۶-۳- چالش های اجتماعی

تبدیل مهریه به ابزاری برای فشار بر مردان، یکی از پیامدهای منفی تعدیل مهریه در شرایط تورمی است. در برخی موارد، زنان یا خانواده های آنها از مهریه به عنوان اهرمی برای تحمیل خواسته های خود در طول زندگی مشترک یا هنگام طلاق استفاده میکنند. این سوءاستفاده، نه تنها کرامت انسانی مردان را زیر پا میگذارد، بلکه مهریه را از کارکرد اصلی خود (حمایت از زن) دور کرده و به عاملی برای تنش و انتقامجویی تبدیل میکند. برای مثال، تهدید به اجرای مهریه های کلان، گاه مردان را مجبور به پذیرش شرایط ناعادلانه در

^۱ - دادمرزی، سید مهدی (۱۳۸۴) تقویم مهریه به نرخ روز، نشریه کودک و نوجوان و رسانه، پاییز، شماره ۴، ص ۱۳۲

حضانة فرزندان یا تقسیم اموال میکند. این چالشها تأثیر مخربی بر انسجام خانواده ها دارد.^۱ ترس از مواجهه با مهریه های تعدیل شده، بسیاری از مردان را به سمت ازدواجهای موقت یا خودداری از ثبت قانونی ازدواج سوق میدهد. از طرفی، زنان نیز به دلیل نگرانی از آینده مالی، ممکن است اصرار بر تعیین مهریه های غیرواقعی داشته باشند که همین امر آغاز زندگی مشترک را با بحران اعتماد همراه میکند. در نهایت، این چرخه معیوب، بنیان خانواده را تضعیف کرده و آسیبهای اجتماعی مانند افزایش طلاق، کاهش فرزندآوری و بی اعتمادی بین زوجین را تشدید مینماید.

۷- راهکارها

۷-۱- راهکار تقنینی

اصلاح ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و افزودن تبصره‌های برای تعیین مبنای محاسبه مهریه بر اساس «میانگین شاخص تورم بانک مرکزی» میتواند به عنوان یک راهکار پایدار، چالشهای فعلی را کاهش دهد. در این طرح، مهریه نه بر اساس مبلغ ثابت ریالی، بلکه با استناد به شاخص تورم رسمی منتشرشده توسط بانک مرکزی محاسبه میشود. برای مثال، اگر مهریه در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده باشد، ارزش واقعی آن در سال ۱۴۰۳ با ضرب این مبلغ در نرخ تجمیعی تورم سه سال، تعیین خواهد شد. این اصلاحیه با الهام از قوانین کشورهای مانند ترکیه (ماده ۱۸۲ قانون مدنی ترکیه) که از شاخصهای اقتصادی برای تعدیل دیون استفاده میکنند، از ابهامات موجود در تفسیر «نقد رایج» میکاهد و تضمین میکند که مهریه همواره ارزش خرید خود را حفظ کند.^۲

هرچند این راهکار از نظر تئوری کارآمد است، اجرای آن نیازمند هماهنگی بین قوای مقننه، قضائیه و بانک مرکزی است. چالش اصلی، امکان دستکاری در شاخص تورم یا تأخیر در

^۱ - همان

^۲ - عباسی، حسن و همکار (۱۳۸۷) تأثیر عملکرد عرف در حکم فقهی نظریه جبران کاهش ارزش پول، معارف

انتشار داده‌های رسمی است که می‌تواند محاسبات را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، شفاف سازی قانونی و نظارت نهادهای مستقل بر روند محاسبه شاخصها، می‌تواند اطمینان لازم را ایجاد کند. این اصلاح نه تنها از حقوق زنان در برابر کاهش ارزش پول محافظت میکند، بلکه بار مالی قابل پیشبینی تری را بر دوش مردان قرار میدهد.

۷-۲- راهکار قضایی

صدور «دستورالعمل واحد» توسط دیوان عالی کشور برای یکسان سازی رویه محاسبه مهریه، گامی ضروری به سوی کاهش اختلافات آرای قضایی است. این دستورالعمل می‌تواند معیارهای دقیقی مانند استفاده از قیمت روز طلا، نرخ تورم رسمی، یا میانگین قیمت مسکن را به عنوان مبنا تعیین کند. برای نمونه، در پرونده‌های که مهریه به سکه تعیین شده، قیمت روز سکه در زمان اجرای حکم ملاک خواهد بود، نه قیمت زمان عقد. دیوان عالی کشور با الگوبرداری از تجربه مصر در صدور دستورالعمل های تعدیل مهریه، می‌تواند رویه ای شفاف و قابل اتکا ایجاد نماید^۱.

ایجاد «شعب تخصصی مهریه» در دادگاه های خانواده نیز راهکاری مکمل است. این شعب با حضور قضات آموزش دیده در حوزه اقتصاد و فقه اسلامی، می‌توانند پرونده ها را با دقت بیشتری بررسی کنند. برای مثال، در کشور امارات، دادگاههای خانواده تخصصی با حضور کارشناسان اقتصادی، به حل اختلافات مالی مرتبط با مهریه می‌پردازند. آیین رویکرد نه تنها سرعت رسیدگی به پرونده ها را افزایش میدهد، بلکه از اتکای صرف به نظرات شخصی قضات جلوگیری میکند. با این حال، تأمین نیروی انسانی متخصص و بودجه لازم برای راه اندازی این شعب، نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است.

۷-۳- راهکار اجرایی

^۱ - همان

^۲ - وزیري فرد، سيد محمد جواد و فلاح تفتي، فاطمه (۱۳۹۲) بررسی فقهی و راهکارهای کاهش مهریه، نشریه فقه و

راهاندازی «سامانه محاسبه مهریه به نرخ روز» توسط قوه قضائیه، میتواند تحول عمده‌ای در اجرای عدالت ایجاد کند. این سامانه با اتصال به پایگاه‌های داده بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، و بازارهای مالی، به صورت خودکار ارزش روز مهریه را بر اساس شاخص‌های از پیش تعیین شده (مانند تورم، قیمت طلا، یا نرخ ارز) محاسبه میکند. برای مثال، زوجین با وارد کردن تاریخ عقد و مبلغ مهریه، میتوانند ارزش کنونی آن را مشاهده کنند. چنین سیستمی در کشورهایی مانند مالزی با نام «e-Mehriah»^۱ آزمایش شده و تا حدی از اختلافات کاسته است. مزیت اصلی این سامانه، کاهش خطاهای انسانی و شفافیت فرآیند است. با این حال، چالش‌هایی مانند دسترسی *неправ* ام به اینترنت در مناطق محروم، یا احتمال هک و دستکاری داده‌ها وجود دارد. برای رفع این موانع، میتوان نسخه‌های آفلاین سامانه را در اختیار دادگاه‌های محلی قرار داد و امنیت آن را با همکاری متخصصان فناوری اطلاعات تقویت کرد. در نهایت، این ابزار نه تنها به قضات کمک میکند، بلکه آگاهی عمومی از حقوق مالی را نیز افزایش میدهد.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به نوسانات شدید ارزش پول ملی و تأثیر آن بر اجرای مهریه‌های سنگین، بررسی راهکارهای حقوقی برای تعدیل مهریه به نرخ روز ضروری است. این مسئله نه تنها به عدالت در روابط خانوادگی کمک میکند، بلکه از اختلافات قضایی میکاهد. ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران، مهریه را به «نقد رایج» قابل پرداخت میدانند، اما ابهام در تعیین «زمان ملاک محاسبه» (زمان عقد یا زمان اجرا) منجر به رویه‌های متفاوت در دادگاه‌ها شده است. مهریه یکی از مفاهیم اصلی در حقوق خانواده محسوب می‌شود که آثار و تبعات گوناگون اجتماعی، حقوقی و اقتصادی دارد. مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران، زن به محض عقد نکاح مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن داشته باشد. بر اساس تبصره این

^۱ - ابراهیم نژاد، حسین و همکار (۱۳۹۸) بررسی فقهی و حقوقی پرداخت دیون به نرخ روز، انتشارات گروه

قانون و با توجه به تغییر شاخص قیمت سالانه توسط بانک مرکزی، در صورتی که مهریه به شکل وجه رایج تعیین شود، میزان آن متناسب با تورم محاسبه خواهد شد. مهریه انواع مختلفی از جمله مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتععه دارد و حقوق و تکالیف متعددی را برای طرفین به دنبال دارد؛ به عنوان مثال، طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زن می‌تواند تا دریافت مهریه از انجام وظایف زناشویی خودداری کند، بدون اینکه این امتناع باعث سقوط حق نفقه او شود.

در خصوص افزایش مهریه پس از عقد، میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها افزوده شدن مبلغ مهریه پس از عقد را بی‌تأثیر می‌دانند یا آن را در حد هدیه تلقی می‌کنند، در حالی که عده‌ای دیگر آن را الزام‌آور می‌دانند اما نه به عنوان مهریه شرعی. شورای نگهبان به صراحت اعلام کرده است که ازدیاد مهریه بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و آثار حقوقی مهریه بر آن مترتب نمی‌باشد. اختلافات موجود در این زمینه و حجم بالای پرونده‌های قضایی مرتبط با مهریه، نشان‌دهنده خلأهای نظری و عملی در نظام حقوقی کشور است که نیازمند بررسی و اصلاحات حقوقی در قوانین مهریه می‌باشد.

پرداخت مهریه و پیامدهای حقوقی آن از مهم‌ترین چالش‌های خانواده‌ها در شرایط کنونی است. ناتوانی مالی برخی زوجها در پرداخت مهریه موجب تجمع پرونده‌های قضایی و حتی زندانی شدن آنها شده و بر نهاد خانواده تأثیر منفی گذاشته است. از سوی دیگر، وضع اقتصادی جامعه و تعیین مهریه‌های سنگین بدون توجه به استطاعت مالی زوج، بحران‌های جدیدی را ایجاد کرده است. تحقیق در این حوزه می‌تواند با شفاف‌سازی تعامل میان قوانین مهریه و تعهدات زوجین، گامی در جهت کاهش مشکلات خانوادگی و ارائه راه‌حل‌های عملی و حقوقی در کاهش حجم پرونده‌های مرتبط با مهریه در دادگاه‌ها فراهم آورد.

پیشنهادهای

۱- پیشنهاد تقنینی:

تدوین قانونی برای تعریف دقیق «نقد رایج» و الزام به تعدیل مهریه بر اساس شاخص های رسمی بانک مرکزی.

اصلاح ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و افزودن تبصره های برای تعیین مبنای محاسبه مهریه بر اساس «میانگین شاخص تورم سالانه» اعلام شده توسط بانک مرکزی.

۲. پیشنهاد قضایی:

برگزاری دوره های آموزشی ویژه قضات خانواده در زمینه اقتصاد و تأثیر تورم بر مهریه.

۳. پیشنهاد اجرایی:

توسعه اپلیکیشن های دولتی برای محاسبه آنلاین مهریه به نرخ روز با استفاده از داده های بانک مرکزی.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱- کتب

۱. اباذری فومشی، منصور و همکار (۱۴۰۲) مهریه، همراه با نحوه محاسبات مهریه به نرخ روز، نظرات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، انتشارات خط سوم، تهران.
۲. ابراهیم نژاد، حسین و همکار (۱۳۹۸) بررسی فقهی و حقوقی پرداخت دیون به نرخ روز، انتشارات گروه آموزشی مدرس، سنجش و دانش.
۳. باختر، احمد. (۱۳۹۲). مطالبه مهریه از طریق اجرای ثبت (کاربردی). تهران: جنگل جاودانه
۴. پولادی، ابراهیم (۱۳۸۸) مهریه و تبدیل آن (محاسبه مهریه به نرخ روز) انتشارات نشر دادگستر، تهران.
۵. عبدالوند، شراره (۱۴۰۳) بررسی محاسبه مهریه به نرخ روز، انتشارات درخشش اندیشه، تهران.
۶. مطهری، مرتضی (۱۴۰۹) مبانی حقوق زن در اسلام، تهران، نشر فرهنگ،
۷. موسوی، سید اسماعیل (۱۳۹۳) مهریه و نحوه محاسبه آن به نرخ روز به انضمام قانون حمایت خانواده و ایین نامه اجرایی، انتشارات خط سوم، تهران

۲- مقالات

۱. انصاری، حمید و دیگران (۱۳۹۳) مبانی فقهی تقویم مهریه به نرخ روز، نشریه پژوهش های فقهی، تابستان، شماره ۲، ص ۱۹۹
۲. انصاری، حمید و صحراگرد دهکردی، مجتبی (۱۳۹۳) مبانی فقهی تقویم مهریه به نرخ روز، نشریه پژوهش های فقهی، تابستان، شماره ۲.
۳. جعفری فشارکی، زینب (۱۳۸۸) بررسی ارای فقها درباره تبدیل مهریه به نرخ روز، نشریه آموزه های قرانی، بهار و تابستان، شماره ۳۱.

۴. جمالان، حسین و دیگران (۱۴۰۰) واکاوی شرایط مهر و پرداخت آن به نرخ روز در حقوق ایران و مصر، نشریه فقه و حقوق خانواده، ندای صادق، دوره ۲۶، شماره ۷۵، پاییز و زمستان
۵. دادمرزی، سید مهدی (۱۳۸۴) تقویم مهریه به نرخ روز، نشریه کودک و نوجوان و رسانه، پاییز، شماره ۴.
۶. صادقی، محمد (۱۳۹۱) احکام مهر در مذهب حنفی، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۹۱، سال چهارم.
۷. عباسی، حسن و همکار (۱۳۸۷) تاثیر عملکرد عرف در حکم فقهی نظریه جبران کاهش ارزش پول، معارف اسلامی و حقوق، سال نهم، شماره ۲، ص ۲۹۹
۸. عباسی، شاهرخ و دیگران (۱۳۹۶) تقویم مهریه و تعهد شوهر به پرداخت مهر به نرخ روز، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی.
۹. محمدی، محسن (۱۴۰۳) بررسی شرایط مهر و پرداخت آن به نرخ روز در حقوق ایران، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی و سیاست اسلامی و فقه اسلامی
۱۰. ناصری، سید احسان و دیگران (۱۴۰۱) تحلیل اقتصادی تعدیل و به روز رسانی مهریه با رویکرد فقهی، نشریه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
۱۱. ناصری، سید احسان و دیگران (۱۴۰۱) تحلیل اقتصادی تعدیل و به روز رسانی مهریه با رویکرد فقهی، نشریه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
۱۲. وزیری فرد، سید محمد جواد و فلاح تفتی، فاطمه (۱۳۹۲) بررسی فقهی و راهکارهای کاهش مهریه، نشریه فقه و حقوق خانواده، بهار و تابستان، شماره ۵۸

۳- اینترنت

۱. رسام، نگار، ۱۴۰۱، بررسی حقوقی مهریه و نقش بیمه مهریه در نظام قانونگذاری ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۴۷۰۵۴۰، <https://civilica.com/doc/1470540>
۲. یوسفی، روح اله و حسینی مقدم، سیدعسکری، ۱۴۰۳، بررسی انواع مهریه و نحوه مطالبه مهریه توسط زوجه، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی

ب- منابع عربی

۱. بدران، ابوالعینی (بی تا) الفقه المقارن للاحوال الشخصیه، بیروت، دار النهضة العربیه.
۲. فاضل تونی، عبدالله (۱۴۱۲) الوافیة فی اصول الفقه، جلد ۴، تحقق حسین رضوی، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۳. مراغه ای، میرعبدالفتاح (۱۴۲۹) العناوین الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۹) جز دوم الفقه علی مذاهب الخمسه، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد سرائی، تهران، ققنوس.
۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲) جواهر الکلام، تصحیح شیخ محمود اخوندی، تهران، در الکتب الاسلامیه.
۷. نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵) عوائد الایام، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی.

